

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



د مولانا سعید افغانی د سولی او تفاهم، نشراتی ارگان

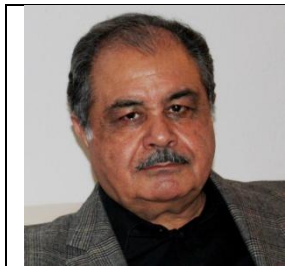
www.said-afghani.org

آزاده، ټولنیزه، علمی، فرهنگي و نشراتی ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعید افغانی : آزاده ، ټولنیزه ، علمی ، فرهنگي او نشراتی ارگان ته بڼه راغلاست!



داکتر اسدالله «حبيب»

تاریخ نشر : 12 دسمبر 2015 م

نکته های از دستور زبان

بخش های « هفدهم ، هژدهم ، نوزدهم »

بخش « هفدهم »

مصدر چیست؟ و ریشه های ماضی و مضارع کنشها را چگونه بیابیم : مصدر اسم فعل است که ساختار آن ریشه ماضی آن می باشد ، ماند : گفت ، آن ، گفتن . رفت آن ، رفتن و دید آن ، دیدن . یعنی هرگاه آن را از آخر مصدر جدا کنیم ریشه ماضی فعلها ساخته می شود . از نوشتن آن را دورکنیم نوشت می ماند که ریشه ماضیست و تمام حالتهاى فعل ماضی یا گذشته از آن پاره دومین این شکلهاى فعل . ساخته می شود . نوشتم ، نوشتی ، نوشت و نوشتیم ، نوشتید ، نوشتند یعنی م ، ی ، یم ، ند وید را شناسه یا پساوند تصریفی می گویند .

ریشه مضارع از فعل امر ساخته شده می تواند . به گونه مثال از برو که ب حذف شود رو می ماند و همان ریشه فعل مضارع رفتن است . فعل امر بخواب را در نظر بگیرید . ب را از آغاز آن حذف کنید خواب می ماند که ریشه مضارع خوابیدن است .

در پیشینه زمانها ، در کتابهای دستور زبان نوشته اند که پایاوند یا پساوندی هست که یت مصدری انسانیت ، اسلامیت ، : نامیده می شود که با پیوستن با واژه دیگر مصدر جعلی می سازند، مانند ملیت ، تمامیت ، ظرفیت ، کمیت ، کیفیت .

این گونه واژگان را مصدرهای جعلی نامیده اند . مگر به خاطر باید داشت که این نام نا به جاست ، زیرا این واژگان اسم معنا ها اند و نه مصدر اند و نه جعلی .

بخش هژدهم :

جمله چیست ؟ جمله همبستگی چند واژه است که معنایی پوره و گسسته (مستقل) دارد. خوردهترین جمله از دو واژه ساخته می شود ، مانند :

دل باز به جوش یارب آمد
شب رفت و سحر نشد شب آمد

شب رفت = جمله ساده : شب را نهاد می گویند و رفت را گزاره و در سحر نشد که جمله ساده است ، سحر را نهاد می نامند و نشد را گزاره و در شب آمد که جمله ساده است ، نیز شب نهاد است و آمد گزاره . نهاد آن بخش جمله است که درباره آن بیان می شود و گفتنی درباره نهاد را گزاره می نامند . گاهی جمله یک واژه است و آن یک واژه فعل یا کنش است .
در این بیت : گفتم که روزگار دگر می شود ، نشد . نشد به تنهایی یک جمله است که دیگر بخشهای آن حذف شده است . یعنی روزگار دگر نشد .
شان غریب نیز سحر می شود ، نشد .
بنابراین نمونه ها بخش نهادین جمله کنش یا فعل است
بر این بیت بنگرید :

خزان رفت و زمستان رفت و پس هرسه بهاران رفت

در این شهر شما ایام تابستان کجا آید
خزان رفت - جمله ساده که خزان نهاد است و رفت گزاره همچنان زمستان رفت و بهاران رفت را خود می توانید از نگاه دستور زبان روشن کنید .

بخش نهم :

نهاد مبتدا ، مسند الیه ، فاعل :

جمله را دارای دو بخش شناختیم : یکی بخشی که درباره آن گفتنی در آن جمله هست و آنرا نهاد نامیدیم و دیگری همان گفتنی درباره نهاد که بر آن گزاره نام گذاشتیم . آفتاب روشن است .
آفتاب = نهاد ، روشن است = گزاره . در جمله آفتاب برآمد .
آفتاب نهاد است که در همان زمان کاری نیز کرده است . پس آفتاب هم نهاد است و هم فاعل . نهاد زمانی فاعل است که کاری را انجام دهد یا کاری را انجام ندهد . هر فاعلی نهاد است و اما هر نهادی فاعل نیست .
در جمله ها : برادرت چند ساله است ؟ چه آدم خوبی است ! چمن سبز است نهاد فاعل نیست . در جمله بازپسین : چمن سبز است ، چمن را مسند الیه می گویند و سبز را مسند و است رابطه یا کلمه ربط نامیده می شود .
اگر بگوییم که چمن سبز نیست . باز هم چمن مسند الیه و سبز نیست مسند با رابطه است . یعنی مسند الیه صفتی را دارد یا صفتی را ندارد ، صفتی را می پذیرد یا صفتی را نمی پذیرد . و همان صفت یا حالت مسند است . مسند یا گزاره را خبر هم می گویند که نهاد یا مسند الیه مبتدا نامیده می شود . خبر آن پیامیست که درباره مبتدا بیان می گردد . پس مبتدا ، مسند الیه و نهاد یکی اند و خبر ، مسند و گزاره هم یکی شمرده می شوند .

ادامه دارد

داکتر اسدالله « حبیب »

www.said-afghani.org بازگشت به صفحه اصلی